

نقش معنویت و شبهه‌زدایی کلامی در بهبود بیماری‌های فراگیر

غلامعلی سنجری*

حسن گلپایگانی**

چکیده

بی‌شک اضطراب ریشه بسیاری از بیماری‌ها و از بین برنده سیستم ایمنی انسان است. در بیماری‌های فراگیر از جمله کرونا ویروس، به اذعان پزشکان کسانی که از سیستم ایمنی کمتری برخوردارند، آسیب‌پذیرترند. از طرفی هر آن چیزی که سیستم ایمنی را در بهبود این بیماری بالا می‌برد، مفید و ارزنده است. ایمان به خدا، آرامش‌بخش همه جان‌هاست؛ توجه به معنویت حقیقی انسان را با فطرت خویش هماهنگ و به خدا متصل می‌کند و سبب آرامش وی می‌شود؛ زدودن شبهات ذهنی که مستقیم بر روی ایمان انسان‌ها اثر می‌گذارد نیز تأثیر قابل توجهی در آرامش درونی انسان دارد. در این مقاله سعی شده با ذکر یافته‌های تجربی در خصوص اثرگذاری معنویت در بهبود بیماری‌های همه‌گیر، گامی در رواج توجه به معنویت در بهبود انواع بیماری‌ها برداشته شود و از آن‌جا که بیماری کرونا بیش از شرور دیگر برای متدینان ایجاد شبهه کرده است و مستقیم ایمان آن‌ها را نشانه رفته، علاوه بر توجه به معنویت حقیقی، به زدودن شبهات و چگونگی تقویت ایمان انسان نیز پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: بیماری‌های همه‌گیر، کرونا ویروس، شرّ طبیعی، شرّ اخلاقی، معنویت حقیقی، معنویت‌های کاذب.

*. دکتری کلام اسلامی؛ ghsanjari1351@gmail.com
**. دانشجوی دکتری قرآن و علوم تربیتی؛ Hassanalavi429@mail.com

مقدمه

مشکلات و بلایای طبیعی و اخلاقی همچون پاره‌های ابر همواره نو به نو بر بشر وارد می‌شوند و جسم و جان بشر را در تلاطم‌های عجیب رها می‌کنند؛ اگر انسان با چالش‌ها و فشارهای روانی زیادی که دست به گریبان است نتواند کنار بیاید و برای ذهن آشفته خود جوابی در خور بیابد و یا برای استرس‌ها و اضطراب‌های حاصله از شرور، دواپی پیدا کند، نه تنها سیستم ایمنی خود را از دست می‌دهد، بلکه باید گفت بیماری آن‌چنان بر وی چیره می‌شود که شاید پزشکان خبره نیز نتوانند وی را بهبود بخشند. البته برخی از انسان‌ها به جای استفاده از معنویت حقیقی و حل شبهات از طریق عالمان واقعی که همواره در زدودن شبهات از ذهن انسان کمک کار متدینان بوده‌اند، به سراغ معنویت غیرواقعی رفته و به اشتباه به سراغ کسانی می‌روند که نه تنها این شبهات برای خودشان حل نشده، بلکه از این شبهات مستمسکی برای بی‌خدایی و یا تضعیف ایمان متدینان ساخته‌اند. برخی برای درمان بیماری‌ها دست به دامان درمان‌های مادی و معنوی زده‌اند که گاهی با فطرت و روح آدمی فرسنگ‌ها فاصله دارد. نسخه‌های مادی مثل آزادی انسان‌ها بدون قید و بند، رفاهیات اجتماعی، معنویت‌های مدرن مثل: مدیتیشن، یوگا و ... که بیشتر نقش مسکن و موقت دارند. در این مقاله بیان خواهد شد که به‌وسیله معنویت حقیقی می‌توان به استرس که مادر امراض است، غلبه کرد و شبهات ذهنی که می‌تواند ایمان به خدا را کمرنگ کند، با تقویت ایمان به خداوند آن شبهات را زدود و در نتیجه سبب بهبودی بیماری‌ها می‌شود.

بیان مسئله

شرور و مباحث مربوط به آن، از جمله مباحث مهم در فلسفه دین و کلام جدید و همچنین به جد مورد مذاقه متکلمان در کلام قدیم است. این مسئله از دو سو با مباحث خداشناسی ایجاد چالش می‌کند؛ اول با صفت عدل الهی و دوم با وجود خداوند در تضاد است. وجود شرور، عدالت چه به معنای عام و چه خاصش را به چالش می‌کشد و این سؤال را به‌وجود می‌آورد که چگونه خدای عادل یک انسان را گرفتار ویروس به این وحشتناکی می‌کند، مخصوصاً افرادی که بیماری زمینه‌ای دارند و عمری با آن بیماری دست و پنجه نرم کرده و اکنون نیز این چنین سخت باید نفس بکشند! همچنین وجود شری مثل کرونا در انسان



این سؤال را به وجود می‌آورد که خدای دانا و خیر محض؛ چرا اجازه ورود به این شرور می‌دهد؟! عدم پاسخ‌گویی به این گونه شبهات باعث استرس‌های ذهنی و در نتیجه بی‌ایمانی می‌شود و بی‌ایمانی و عدم اعتماد به خداوند نتیجه‌ای جز اضطراب درونی ندارد. بسیاری از دانشمندان علوم تجربی معتقدند آرامش و عدم استرس تأثیری بی‌بدیل در بهبود بیماری‌ها دارد. عدم آرامش از دو سو به انسان رو می‌آورد: الف) شبهات علمی؛ ب) عدم توجه به معنویت؛ که نبود آن خلأ جدی در وجود انسان ایجاد می‌کند، منشأ شروری چون کرونا را چه اختیار بشر بدانیم و چه منشأ آن را طبیعت بدانیم، باید جوابی آرام‌کننده به متدینین داد. علاوه بر این باید دانست این که یکی از راه‌های ساده و بسیار اثر بخش در بهبود بیماری‌های همه‌گیر از جمله کرونا و ویروس، توجه به معنویت حقیقی است. بی‌شک برای اشیاء ذی‌قیمت، اشیاء بدلی و تقلبی نیز فراوان وجود دارد. معنویت هم از این قاعده مستثنی نیست؛ معنویت‌های جعلی، عرفان‌های کاذب، در برابر عرفان ناب و معنویت‌های حقیقی هستند که به‌زعم اندیشمندان غربی اثر خاصی در بهبود استرس دارد.

فرضیه و سؤال تحقیق

با توجه به یافته‌های تجربی و تأیید آن توسط آموزه‌های دینی، توجه به معنویت حقیقی و پاسخ‌گویی صحیح به شرور طبیعی و اخلاقی از جمله کرونا و ویروس در بهبود این ویروس مؤثر است.

سؤال: آیا توجه به معنویت حقیقی و پاسخ‌گویی صحیح به شرور در بهبود بیماری‌ها از جمله کرونا و ویروس تأثیر دارد؟

پیشینه و نوآوری تحقیق

اکثر کتب کلامی به نوعی به بررسی مسئله شر و پاسخ به شبهات مطرح در آن پرداخته‌اند، اما امروزه نسل جدید با شبهاتی روبه‌رو هستند که اگر به آن‌ها جواب مناسبی داده نشود، ایمان آن‌ها مورد تزلزل قرار می‌گیرد؛ از این‌رو در هر زمان علی‌رغم این که جواب‌هایی به بحث شرور در کلام قدیم و جدید داده شده است، باید برای هر مصداقی از شرور که به تازگی کشف می‌شود و مسائل جدیدی را به وجود می‌آورد، جواب قانع‌کننده‌ای پیدا کرد، تا هر کسی با هر سلیقه و سطح سواد نسبت

به فلسفهٔ شرور و به‌خصوص شر جدید آشنا شده و ایمانش نسبت به خدا نه تنها تضعیف نشود، بلکه قوی‌تر شود، از طرفی در عصر پسامدرن توجه جدی به معنویت شده است. امروزه معنویت به‌عنوان یکی از راهکارهای جدی در بهبود بیماری‌ها مورد توجه است و ده‌ها مقاله، پایان‌نامه در این خصوص نگاشته شده است. هر یک از مقالات، از جهاتی مثبت هستند، اما عدم‌بازبینی صحیح در خصوص معنویت و این‌که بسیاری از جوانان از معنویت غیرحقیقی (کاذب) با روش‌های خاص استفاده می‌کنند، عالمان دین را بر آن می‌دارد تا با تبیین معنویت و اقسام آن و شیوهٔ تأثیرگذاری این مهم بر بیماری‌ها دست به تحریر مقالاتی این چنین بزنند. جنبهٔ دیگر نوآوری بیان و جمع‌آوری یافته‌های علمی تجربی در خصوص اثرگذاری معنویت حقیقی در بهبود بیماری‌ها با قوت بخشی به سیستم ایمنی است. از طرفی به نظر می‌رسد، علاوه بر توجه به معنویت در بهبود بیماری‌ها باید توجهی نیز به زدودن شبهات ذهنی شود تا ایمان بیماران نیز قوی شده و از این رهگذر هم ذهن بیمار بهبود یابد و هم دل بیمار که این دو با هم می‌تواند بیمار را با سرعت بیشتری بهبود بخشند.

مفهوم‌شناسی

مفهوم‌شناسی از مهم‌ترین و کارآمدترین دانش‌های بشری دانش به شمار می‌آید. در هر یک از دانش‌ها برخی اصطلاحات و واژگان کلیدی بیشترین تأثیر را در انتقال مفاهیم و فهم متون به دوش می‌کشند. کشف معانی، بسیاری از کج فهمی‌ها و سوء تفاهم‌ها را می‌زداید و بیشترین چالش‌ها را که از نافهمی و بدفهمی اصطلاحات مایه می‌گیرد، از میان می‌برد. در این راستا برآنیم تا برخی از مفاهیم را از جهت لغت و اصطلاح تبیین کنیم.

۱. معنای لغوی و اصطلاحی معنویت

معنای لغوی معنویت

معنویت در لغت مصدر جعلی از واژهٔ «معنوی» است و معنوی از واژهٔ «معنی» که با افزودن یاء نسبت به آن ساخته شده است. واژهٔ «معنی» مصدر میمی است، بنابراین واژهٔ معنوی؛ یعنی منسوب به معنی و در مقابل آن لفظی است. این کلمه در معانی

دیگری از جمله، حقیقی، راست، اصلی، ذاتی مطلق، باطنی و روحانی به کار رفته است. (معین، ۱۳۸۵، ص ۲۸-۳۰).

در فرهنگ عمید «معنا» مقابل «صورت» است و اموری که مربوط به باطن و درون است را معنوی می‌گویند (عمید، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۱۹۶) برخی معنویت را مقابل مادی؛ یعنی غیرمادی و نیز مترادف باطنی، روحانی و عرفانی دانسته‌اند (دهخدا، ۱۳۸۵، واژه میم، ص ۲۷۶۳).

معنای اصطلاحی معنویت

معنویت در اصطلاح «عبارت است از نوعی ارتباط با خدای متعال از راه ایمان به خدا و غیب جهان، عواطف و انگیزه‌های الهی و نیز استعانت از نیروهای غیبی بر اثر قرب الهی است. آثار عملی این ایمان و ارتباط در جهت بخشی به زندگی و نوع نگاه به آن دیده می‌شود که در قالب اخلاق الهی بروز و ظهور می‌یابد» (مجله حصون، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۱۶، ص ۷۷).

انواع معنویت

در هر عصری افراد جامعه با انواع معنویت‌ها مواجه می‌شوند که می‌توان آن را به دو قسمت اصلی تقسیم نمود:

الف) معنویت حقیقی

در دین مبین اسلام، انسان موجودی است دو بعدی، انسان دارای روح ملکوتی است که شایستگی خلیفه الهی بودن را دارد.^[۱] او دارای فطرتی پاک و خدایی است؛ از طرفی انسان دارای بُعد مادی و دنیوی است که تمام آثار امور مادی بر وی حاکم است. روح انسان دارای اصالت و حیات جاودانه است و می‌تواند به خدای عالم متصل شود و قدرتی شبیه او را به دست آورد ﴿إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ﴾ (آل عمران: ۱۶۰)؛ «اگر یاری کند شما را خداوند پس نیست غلبه‌کننده‌ای بر شما» و یا ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ (غافر: ۵۱).

همان گونه که انسان با وصل شدن به خدا، به قدرت بی نهایت دست می یابد، جدا شدن از او نیز برای وی خسران و خلای ایجاد می کند که جبران ناپذیر است. معنویت دینی سبب ارتباط مناسب انسان با خود، مردم و عالم طبیعت در پرتو ایمان به خداوند می شود؛ چراکه در دیدگاه دینی همه چیز رنگ الهی دارد و اگر کسی با معنویت توانست رنگ الهی بگیرد، ارتباطش با خود، دیگران و خدا تعریف و معنادار می شود ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً﴾ (بقره: ۱۳۸) اگر کسی نتوانست با خدا ارتباط برقرار کند، از رنگ خدایی خارج و با تمام عالم ارتباط معنادارش قطع و منجر به پاسخ های هیجانی، آسیب های معنوی و اختلال در سایر ارتباط های انسان (ارتباط باخود، مردم و عالم خلقت) می شود و استرس های روحی در وی پدیدار خواهد شد. انسان معنوی با ایمان به خدا با روحی آرام و مطمئن و قلبی سلیم و امیدوار به اتفاقات زندگی نگریسته، از غم و اندوه گذشته، از استرس و اضطراب آینده رهایی یافته است و تنها در پی کسب رضای خداست. برای انسان معنوی و متوکل بر خدا، احساس ناتوانی معنی ندارد؛ چراکه او همواره خود را متکی بر قدرت لایزال می داند، شعارش همواره این است که اگر کاری به سرانجام رسید، الحمدلله و اگر به سرانجام نرسید، راضی به حکمت الهی است. او همواره در پی خشنودی خداست و هرگز از مسئولیتی که خدا برعهده اش گذاشته است شانه خالی نمی کند، وی همواره به دنبال اجرای مسئولیت خویش است و به نتیجه توجه چندانی ندارد، از این رو هیچ گاه استرس از آینده ندارد، تنها نگرانی او که مقدس نیز هست، عدم خشنودی معبود است و این امر نه تنها روح وی را مکدر و مضطرب نمی کند، بلکه چون همیشه به یاد اوست، همواره آرام خواهد بود ﴿أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد: ۲۸)، از سوی دیگر فرد معنوی باور به حکمت خداوند دارند، مشکلات را هدیه ای از خدا می داند، از این رو بر تمام مصائب صبر می کند، تنها راه رسیدن به معنویت دینی رسیدن به توحید افعالی به معنی صحیح آن است. همه چیز در عالم با اذن و اراده الهی انجام می شود و در آن حکمتی بالغه است. حال آن را درک کنیم یا نکنیم، برای سالک راه خدا فرقی نمی کند. رنگ خدایی زدن به همه چیز که ارتباط خود را با مردم، عالم خلقت و وجود خود، خدایی می کند و



به معنویت دینی می‌رسد. پر واضح است اگر چنین شد، دیگر استرس که مادر تمام بیماری‌ها و از بین برنده سیستم ایمنی بدن است، سراغش نمی‌آید و توان مبارزه با بیماری را به حول و قوه الهی خواهد داشت. با خدا بودن همان حالتی است که سبب ارتقاء سلامت جسم و روح او می‌شود.

ب) معنویت غیر حقیقی (کاذب)

اومانیزم و توجه بشر به آن باعث شد انسان همه چیز را از دریچه فهم بشری نگریسته، و خدا محوری را به انسان محوری تبدیل کند، در معنویت نیز این تفکر خود را نمایان کرد و معنویت را منهای خدا ترجمه کرد. چیزهایی که زائیده فکر و توهم بشر است را به عنوان معنویت به انسان هدیه داد و راه کسبش را نیز از هر راهی ولو استفاده کردن از قرص‌های روانگردان باشد، دانست، گرچه در دل معنویت‌های کاذب لذت‌های گوناگونی که بشر در خیالش می‌پروراند و خواهش‌های رنگارنگی وجود دارد اما از منظر دین هر چیز منهای خدا، گرچه ظاهری فریبنده دارد، اما در داخل پوچ و هیچ است و هرگز انسان را از استرس‌رهایی نمی‌بخشد. راه کسب معنویت کاذب برخلاف معنویت دینی که از عبودیت خدا حاصل می‌شود، با آموزش روش‌های تمرکز فکر، کسب آرامش روحی و جسمی و تمرین‌های ورزشی مانند: تی‌ام، یوگا، مدیتیشن، ریکی و ... و حتی برخی هم‌چون راثیلیان و کلیسای شیطان، عقایدی ضد دینی و انسانی دارند و با انکار دین یا دعوت پیروان خود به استفاده از مواد مخدر، مشروبات الکلی، موسیقی‌های مخرب و خوردن خون، سعی در پیدایش معنویت می‌کنند (دانشنامه آزاد، چیستی معنویت اسلامی، <http://wikifeqh.ir>).

تفاوت معنویت دینی و معنویت مدرن انسان محور

الف) تفاوت در روش^[۲]

معنویت دینی، علاوه بر عقل آدمی از وحی الهی و ایمان دینی در شناخت معنویت و چگونگی دستیابی بدان بهره می‌برد؛ لکن معنویت مدرن، تنها از عقلانیتِ خودبنیاد، برای شناخت معنویت استفاده می‌کند و وحی الهی و ایمان دینی را به عنوان منبع معرفت نمی‌پذیرد.

ب) تفاوت در معرفت شناختی

بشر امروز با توجه به آسیب‌های مدرنیته، همچون بحران هویت، بحران اخلاق، بحران محیط زیست و بحران خانواده، به سمت معنویت روآورده تا احساس آرامش از دست رفته را در کنار آسایش مدرن فراهم سازد؛ ولی معنویت دینی می‌خواهد جهانی معنوی برای بشر بسازد که علاوه بر تأمین آرامش و آسایش، دیگر بحران‌های هویت و اخلاق و خانواده و محیط زیست نداشته باشد. همچنین معرفت جدیدی از معنویت و جهان معنا و نیز تکامل آدمیان به سوی قرب الهی را برای انسان به ارمغان آورد. خلاصه این‌که ترس ناشی از ابتلا به بیماری حاد و وخیم و غم و اندوه سلامت از دست رفته در بیماری‌های مزمن، ناشی از ناامیدی از رحمت خدا به علت خلأ معنوی است.

۲. معنای لغوی و اصطلاحی شر

از آن‌جا که بیماری‌های همه‌گیر از جمله کرونا ویروس یکی از مصادیق شر است، به نظر می‌رسد در توضیح واژگان ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی شر مشخص شود.

معنای لغوی شر

شر در لغت اسم جامعی است برای تمام رذائل اخلاقی و دردها [که به انسان می‌رسد] و شر نقیض خیر است، همان‌طور که در لغت «الشَّرُّ اسْمٌ لِلرَّذَائِلِ وَالْأَلَامِ وَهُوَ نَقِیضُ الْخَیْرِ» (خلیل، ۱۹۷۳م، ص ۷۰۵). البته در برخی کتب معنای لغوی شر را همان رذیله و گناه دانسته‌اند (الخوری، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۳).

معنای اصطلاحی شر

در این مقاله معنای اصطلاحی شر، همان معنایی است که مایکل پترسون در کتاب عقل و اعتقاد دینی به آن اشاره کرده است: «به‌رغم اختلاف نظری که در تعریف شر وجود دارد، اغلب مردم در مورد وضعیت‌هایی که شر تلقی می‌شوند، اتفاق نظر دارند. فیلسوفان نیز کم و بیش بر سر مصداق واژه شر و مواردی که این واژه بر آن‌ها اطلاق می‌شود، اجماع دارند، اما در مورد معنای این واژه، اختلاف نظرهای فراوانی هست.

بعضی از وضعیت‌هایی که مسلماً مصداق شر هستند، عبارتند از: درد طاقت فرسا، رنج انسان‌های بی‌گناه، معلولیت‌های جسمی، اختلالات روانی، اختلالات شخصیتی، بی‌عدالتی، بلایای طبیعی» (پترسون، ۱۳۷۹، ص ۱۷۷).

نگرش شر اخلاقی به کرونا ویروس

در جواب به مسئله شرور طبیعی از جمله کرونا ویروس؛ از رویکرد غلبه خیرات بر شرور در نظام طبیعی که از ابداعات ارسطو است (شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۶۸) استفاده خواهیم کرد. ارسطو برخلاف استادش افلاطون که قائل به عدمی بودن شرور بود، آن‌ها را وجودی می‌دانست و جواب را با قبول این امر پیش برد؛ گرچه ایشان نیز قبول دارد که خیر مساوی وجود و شر مساوق عدم است، ولی تلقی عدمی بودن شرور و حل این مسئله با رویکرد مذکور را قبول نکرد و در مسئله شر شیوه‌ای جدید ابداع کرد.

از طرفی علمای اسلام جوابی را که ارسطو ارائه کرده است را قبول نموده و آن را بسط داده‌اند. وی موجودات عالم را به پنج دسته تقسیم می‌کند: الف) خیر محض؛ ب) شر محض؛ ج) خیر و شرمساوی؛ هـ) خیر بیشتر از شر؛ و) خیر کمتر از شر و از طرفی دو دسته را موجود و بقیه را غیرموجود می‌داند (شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۶۸).

ارسطو قائل است که دسته اول و دسته چهارم وجود دارد، اما در عالم، وجود سه قسم دیگر محال است؛ چراکه شر محض همان عدم محض است و عدم محض هم وجود ندارد. آن‌چه که شرش بیشتر از خیرش باشد نیز به وجود نمی‌آید؛ زیرا چیزی که عدمش بیشتر از وجودش باشد، هرگز به وجود نمی‌آید، اما آن چیزی که خیر و شرش با هم مساوی است نیز به وجود نمی‌آید؛ چراکه آفریننده، حکیم است و حکیم چنین چیزی را نمی‌آفریند. چنین امری مانند این است که کسی یک چیز را بسازد و همین که ساخته شد آن را خراب کند و از بین ببرد.

به نظر ارسطو هر چه در عالم وجود دارد یا خیر محض است - یعنی هیچ عدمی در او راه ندارد و تمامش وجود و خیر است - و یا این که خیرش بیشتر از شرش است؛ از این رو خداوند آن را به وجود آورده است. اگر خداوند آن را نمی‌آفرید، خیر بزرگ‌تری را از دست می‌داد. به عبارت دیگر، نیافریدن آن‌چه خیرش بیشتر از شرش است، خود شر



بزرگتری است (طبق نظر ارسطو خداوند هر چه آفریده حتماً خیرش بیشتر از شرش است. اگر خدا شرور عالم را نمی‌آفرید از خیر بزرگ‌تری باز می‌ماند. بنابراین برای این که از خیر بزرگ‌تری باز نماند، چیزی را آفریده که گرچه شر دارد، اما خیرش بیشتر از شرش است.

پس علت وجود شرور همان بیشتر بودن خیر آن است، در نتیجه خداوند به خود اجازه می‌دهد که آن را بیافریند). از نظر ارسطو خیر محض، تنها یک مصداق دارد و آن خداست. اما غیر از خدا هر چیزی که در عالم موجود است، خیرش بیشتر از شرش است (طباطبائی، ۱۴۲۶ق، ص ۳۱۳)، پذیرش این نظریه در نگاه اول بسیار مشکل و غیرقابل قبول به نظر می‌آید؛ زیرا طوفان‌های عظیم، جنگ‌های خانمان‌سوز، و وجود افراد شروری مثل صدام، یزید، هیتلر و از همه بالاتر وجود شیطان و در این زمان وجود این ویروس منحوس، این نظریه را (که این موارد خیرشان از شرشان بیشتر است) زیر سؤال می‌برد.

اگر به دقت بنگریم خواهیم دید که در نظام کلی عالم، خیر این موارد بیشتر از شرشان است؛ وگرنه خداوند آن‌ها را نمی‌آفرید. توضیح این که اگر خداوند می‌خواهد انسان از راه اختیار به کمال برسد، لازمه عادی اختیار، وجود جنگ و خونریزی، دروغ و تهمت و دیگر شرور اخلاقی است. نمی‌شود انسان را دارای اختیار بدانیم، اما دست‌هایش را ببندیم تا هیچ شر اخلاقی از او سر نزنند. این کار نشدنی است؛ زیرا اختیار؛ یعنی آزادی در تصمیم و اراده و این که هر کاری را دوست دارد بتواند آن را انجام بدهد؛ چه آن کار خوب باشد یا بد، شر باشد یا خیر.

تمام جنگ‌ها و بی‌عدالتی‌ها از اختیار انسان سرچشمه می‌گیرد. خدا می‌توانست عالمی مانند عالم فرشتگان بیافریند که در آن، جنگ، بی‌عدالتی، دروغ و هیچ شری نباشد؛ اما خداوند می‌خواست انسان با اختیار و اراده خود به کمال برسد. لازمه وجود چنین اختیاری نیز همین شروری است که می‌بینیم.

نکته قابل تذکر این است که اگر این ویروس را انسان به وجود آورده است، وجود این ویروس آدم‌کش می‌شود جزء شرور اخلاقی و در این مقاله هر جوابی که به شرور اخلاقی می‌دهیم، جواب این ویروس نیز همان جواب خواهد بود. البته علاوه بر فوائد



زیاد این ویروس، خواهیم گفت که این شر از اختیار انسان نشأت گرفته است و جلوگیری از اختیار برای عدم پیدایش این ویروس خود شری بزرگتر است. اما اگر این ویروس از شرور طبیعی باشد، باز هم علاوه بر اثبات خیرات بی‌شمار آن، اثبات خواهد شد که لازمه نظام خلقت وجود این شر و نظائر آن خواهد بود.

ابتدا برای تکمیل جواب شرور اخلاقی که جواب این ویروس نیز از آن فهمیده می‌شود، بهتر است علت وجود بالاترین شر در عالم را بررسی کنیم، آن گاه شرور کوچک‌تر خود به خود روشن می‌شود.

سؤالی که در این جا مطرح است این است که وجود شیطان برای چیست؟ اگر جواب قابل قبولی برای فلسفه وجودی شیطان داشته باشیم، آن گاه جواب برای فلسفه وجودی افرادی مثل صدام، هیلتر و انسان‌های خبیث دیگر نیز داده خواهد شد و در نتیجه پیدایش ویروس کرونا نیز که نتیجه اختیار انسان است، نیز داده خواهد شد.

در جواب این پرسش باید گفت شیطان نیز مانند انسان، دارای اختیار است و خداوند اراده کرده با اختیار به کمالات شایسته خود برسد، وی با اختیار خود به این درجه از بدی رسیده است. خداوند یا باید جلوی اختیار را بگیرد که شیطان و انسان‌های بد به وجود نیایند، که لازمه آن به وجود نیامدن اولیا و انبیا خواهد بود (اولیای الهی با اختیار به این مقامات می‌رسند) یا باید به انسان و جن اختیار بدهد تا هر کس با اختیار به هر جا که می‌خواهد برسد، چه خوب و چه بد، لازمه آن وجود شرور اخلاقی است.

بنابراین شیطان و دیگر انسان‌های شرور چون اختیار دارند، به این درجه رسیده‌اند. اگر بخواهیم چنین موجوداتی نباشد، باید جلوی اختیار را بگیریم و اگر جلوی اختیار گرفته شود، انسان‌هایی مثل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این درجه از کمال الهی نمی‌رسند و اگر پیامبر به وجود نیاید شرّ عظیمی است. به عبارت دیگر، نبود خیر عظمایی مثل پیامبر، خود شر عظیمی به‌شمار می‌آید. ترازویی با دو کفه که باید گفت کدام کفه بهتر است؟ نبود شیطان و صدام؛ یعنی نبود اختیار و نبود اختیار؛ یعنی نبود اولیا، کدام بهتر است. در این جا خداوند برای انتخاب کفه‌ها به انسان کمک شایانی می‌کند: «لَوْلَاكَ لَمَّا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ» (نیشابوری، ۱۴۳۵ق، ج ۲، ص ۶۷۲) ای پیامبر اگر تو نبودی آسمان و زمین را نمی‌آفریدم؛ یعنی وجود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ارزشش از هر چه در

آسمان و زمین است بهتر است و هیچ چیزی نباید باعث عدم پیدایش وجودی مثل پیامبر ﷺ شود.

طبق نظر ارسطو، نبود شر در عالم، خود شری عظیم است؛ یعنی اگر شیطان و بی‌عدالتی نباشد، انبیا و اولیا به وجود نمی‌آید و نبود اولیا و انبیا، خود شری عظیم است؛ زیرا در این صورت، خیر کثیری از بین می‌رود. حال اگر کرونا ویروس را شر اخلاقی بدانیم، جواب چنین می‌شود که اگر خدا بخواهد به این ویروس اجازه ورود بدهد به خاطر این است که این ویروس را انسان با اختیار خود برای جنگ با انسانیت کشف کرده است و از آن‌جا که خدا نمی‌خواهد جلوی اختیار را بگیرد، پس باید به این ویروس اجازه ورود در عالم را بدهد. اگر خدا بخواهد جلوی این کار را بگیرد؛ یعنی جلوی اختیار را باید بگیرد و خداوند هرگز جلوی اختیار انسان را نمی‌گیرد. اما این‌که این ویروس فایده‌اش چیست؟ در جواب می‌توان گفت: اولاً: یک فائده کلی دارد که بیان شد؛ یعنی وجود این موارد، از اختیار است و وجود اختیار، خیر عظیمی است. به عبارت دیگر وجود اختیار برای انسان خیرش به مراتب از شروری مثل جنگ و بی‌عدالتی و کرونا بیشتر است و آن به کمال رسیدن انسان است.

نکته دیگر این که گفته می‌شود خدا اجازه داده است، اجازه به معنای اجازه تکوینی است و نه تشریعی؛ یعنی خداوند هرگز راضی به جنگ و بی‌عدالتی نیست و در کتب آسمانی خود از آن‌ها نهی کرده است، اما اگر کسی بخواهد با اختیار خود جنگ کند و یا ویروس تولید و با آن جنگ کند، خدا جلوی اختیار را نمی‌گیرد و اجازه وجود می‌دهد.

نگرش شرطی به کرونا ویروس

تا این‌جا به جواب ارسطو در خصوص شرور اخلاقی پرداختیم. اما چگونه به شرور طبیعی مثل سیل و زلزله و یا اگر کرونا را یکی از قوانین موجود در عالم بدانیم، پاسخ داده می‌شود.

شرور طبیعی مثل زلزله، سیل، طوفان و کرونا ... لازمه نظام طبیعی است؛ یعنی اگر انسان بخواهد با این نظام طبیعی زندگی کند و زمینه برای آزمایش وی فراهم گردد؛ باید کره خاکی به صورت فعلی موجود باشد. کره خاکی با تمام ویژگی‌های



فعلی‌اش، سیل و زلزله و طوفان و قوانینی که منجر به بسیاری از بیماری‌ها می‌شود را به همراه دارد. باید در درون کره زمین مواد مذاب باشد و مواد مذاب نیز لرزه ایجاد می‌کند یا برای پیدایش مواد معدنی مثل نفت که در ادامه حیات بشری بسیار لازم است، باید زلزله ایجاد شود. هم‌چنین برای این که بخارهای روی اقیانوس حرکت کنند، نیاز به بادهای بسیار شدید است تا کره زمین را از باران سیراب کند. از این رو باید طوفان به وجود آید. باید موجوداتی که اکنون هستند باشند که هر یک در عالم وظیفه‌ای دارند که متأسفانه علم ما اندک است و نمی‌توانیم به تمام حقیقت برسیم. خفاش اگر علت ایجاد کرونا است، وجودش در عالم ضروری است؛ این پدیده یک قانون در طبیعت است و ممکن است مثل صدها بیماری دیگر به علل مختلف برای انسان ایجاد شود. مهم این است که انسان‌ها با این پدیده و مثل این پدیده‌ها، چگونه برخورد کرده و چگونه به وظیفه انسانی دینی خویش عمل می‌کنند، هیچ فرقی بین این ویروس و دیگر ویروس‌ها و دیگر پدیده‌های عالم نیست. برای روشن شدن مطلب به این مثال توجه کنید:

در تعریف عدد پنج می‌گوییم که عدد پنج بعد از عدد چهار و قبل از عدد شش است؛ یعنی یکی از ذاتیات عدد پنج بعد از چهار بودن است و نمی‌توان عدد پنج را تصور کرد که قبل از عدد چهار باشد. به اصطلاح فلاسفه «الذاتی لا یعلل» (برای ذاتی اشیا نمی‌توان دلیل آورد). مثلاً وقتی گفته می‌شود نمک شور است، نمی‌توان برای اثبات شوری آن دلیل آورد؛ چون شوری نمک ذاتی است، یا وقتی گفته می‌شود آب خیس است؛ رطوبت، ذاتی آب است و نیاز به دلیل و اثبات ندارد.

کره زمین هم که بهترین زیستگاه برای زندگی انسان است، این چنین بوده و سیل و زلزله و کرونا و ... لازمه ذاتی آن است. بنابراین خدا دو کار می‌توانست بکند یا انسان را به همین صورت بیافریند که لازمه آن همین مشکلات و سختی‌هاست؛ زیرا آزمایش و امتحان در سایه اختیار و تکامل با آزمایش معنا دارد یا این که اصلاً انسان را نیافریند، در این صورت دیگر شاهد سیل و زلزله نیز نخواهیم بود؛ چراکه دیگر نیازی به کره زمین نیست و وقتی کره زمین نباشد، دیگر شرور طبیعی هم نخواهد بود؛ آن‌گاه هیچ انسانی به کمال نمی‌رسد. البته خداوند چنین کاری نیز کرده است؛ یعنی موجوداتی دارد که

آن‌ها در عالمی دیگر زندگی می‌کنند که در آن عالم، سیل، طوفان، مرگ و بیماری کرونا وجود ندارد. این همان عالم ملائک است. نکته قابل توجه این است که در عالم ملائک به نظر برخی از عالمان، هیچ موجودی نمی‌تواند به کمال برسد. هر چه هست همان است که بوده است. آن عالم به خاطر ویژگی‌های خاصش نیاز به کره زمین ندارد. در نتیجه، سیل و طوفان و ... که از لوازم کره زمین است، هیچ‌گاه در آن عالم اتفاق نمی‌افتد؛ چون نوع کمال ملائک کاملاً با کمال انسان فرق می‌کند.^[۲]

در حالی که خداوند اراده کرده تا انسان را بیافریند و انسان اگر بخواهد زندگی کند باید در کره زمین زندگی کند، تا بتوان وی را امتحان کرده، به کمال شایسته خویش برسد؛ لازمه کره زمین هم وجود این شرور است. جواب به دو نگرش کرونا ویروس و زدودن شبهات ذهنی می‌تواند گامی در بهبودی کسانی باشد که در ذهن‌شان وجود شبهات، ایشان را به خدا بدبین و یا ایمانشان را به خدا کمرنگ کرده است، اما توجه به معنویت نیز در بهبود این بیماری و شبیه آن بسیار مؤثر است که اشاره خواهد شد.

تأثیر توجه به معنویت بر روح و جسم بیماران

۱. یافته‌های علمی

پژوهشگران اکنون دریافته‌اند که معنویت می‌تواند برای افراد مفید باشد. افراد مذهبی در مقایسه با افراد غیرمذهبی و کسانی که به خداوند تکیه ندارند، کمتر احساس تنهایی کرده و کمتر بدبین، افسرده یا مضطرب هستند.

یکی از نخستین کسانی که این مسئله را مطرح کرد، ویلیام جیمز فیلسوف و روان‌شناس آمریکایی بود. او می‌گوید: «ایمان، بدون شک مؤثرترین درمان اضطراب است» و اضافه می‌کند: «ایمان نیرویی است که باید برای کمک به انسان در زندگی وجود داشته باشد، فقدان ایمان، زنگ خطری است که ناتوانی انسان را در برابر سختی‌های زندگی اعلام می‌دارد».

هم‌چنین می‌گوید: «قیافه دنیا در نظر مردم با ایمان فرق می‌کند؛ چراکه مردم مذهبی به طور کلی قبول دارند که هر واقعه و امری که به زندگی آن‌ها ارتباط دارد، انعکاسی از مشیت الهی است (نجاتی، ۱۳۸۱، ص ۳۸۳).



کارل یونگ روان‌کاو می‌گوید: «در طول سی سال گذشته افراد زیادی از ملیت‌های مختلف جهان متمدن، با من مشورت کردند و من صدها تن از بیماران را معالجه و درمان کرده‌ام، اما از میان بیمارانی که در نیمه دوم عمر خود به سر می‌برند حتی یک بیمار را نیز ندیدم که اساساً مشکلش نیاز به یک گرایش دینی در زندگی نباشد. به جرأت می‌توانم بگویم که تک‌تک آن‌ها به این دلیل قربانی بیماری روانی شده بودند که آن چیزی را که ادیان موجود در هر زمان به پیرامون خود می‌دهند، فاقد بودند و فرد فرد آن‌ها تنها وقتی که به دین و دیدگاه‌های دینی بازگشته بودند به طور کامل درمان شدند» (تبریزی، ۱۳۷۳، ص ۷۰).

۲. نمونه‌های میدانی

از بررسی‌های میدانی تأثیر معنویت در درمان بیماری‌ها که در دانشگاه‌های کشور انجام گرفته است، نتایج جالبی به دست آمده است که در ادامه به سه نمونه اشاره می‌کنیم:

الف) ارتباط تداوم دعا با سلامت معنوی در بیماران تحت همودیالیز

«فقدان سلامت معنوی به‌خصوص در بیماری‌های مزمن، زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات روانی اجتماعی و عوارض جسمی است. معنویت و نیروهای مذهبی مانند دعا، نقش مهمی را در قبول بیماری‌ها ایفا می‌کنند. لذا این مطالعه جهت بررسی ارتباط تناوب دعا با سلامت معنوی بیماران تحت همودیالیز انجام گرفت.

در این پژوهش توصیفی - تحلیلی، ۲۴۵ بیمار تحت همودیالیز در بیمارستان‌های استان گلستان در سال ۱۳۸۸ با پرسش‌نامه‌ای که حاوی اصطلاحات علمی است و از بیانش صرف نظر می‌کنیم، مورد آزمایش قرار گرفتند.

نتیجه این پژوهش نشان داد که دعا در بهبود سلامت معنوی بیماران تحت همودیالیز تأثیر چشمگیری دارد. لذا با در نظر گرفتن غلبه فرهنگ مذهبی در جامعه ایرانی، توجه به ابعاد معنوی در افراد مبتلا به بیماری‌های مزمن ضروری به نظر می‌رسد. همچنین تناوب دعا با سلامت معنوی، قومیت، سطح تحصیلات و شغل ارتباط معناداری داشت (حجتی، ۱۳۸۹، مجله اصول بهداشت روانی، شماره ۴۶، ص ۵۱۴-۲۱).

ب) بررسی اثربخشی معنویت درمانی بر سلامت روان بیماران سرطانی

سرطان در عملکرد طبیعی زندگی مبتلایان اختلال ایجاد نموده و بر سلامت روان بیماران تأثیر منفی دارد. باورهای معنوی در داشتن یک زندگی هدفمند و بهبود بیماری و همچنین افزایش طول عمر بیماران مؤثر می‌باشد، هدف از این مطالعه تعیین اثر بخشی معنویت درمانی بر سلامت روان بیماران سرطانی بود. روش این مطالعه، از کل بیماران مرکز سرطان بوشهر هفتاد نفر به روش تصادفی ساده انتخاب و با تخصیص تصادفی در دو گروه آزمون و کنترل قرار گرفتند. در ابتدا پرسش‌نامه‌هایی توسط افراد تکمیل گردید. گروه آزمون در هشت جلسه معنویت درمانی شرکت نمودند. آزموده‌ها پس از یک ماه، پرسش‌نامه سلامت روان را تکمیل نمودند، یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که مداخله فوق بر افزایش سلامت روان کاملاً مؤثر بوده است. این مداخله در خرده مقیاس‌های سلامت روان شامل سطوح جسمانی‌سازی، اضطراب و بد خوابی، اختلال در عملکرد اجتماعی و افسردگی بیماران مؤثر بوده است. نتیجه این پژوهش نشان داد که معنویت درمانی و توجه به معنویت در زندگی می‌تواند به عنوان یک تکیه‌گاه روانی به ارتقاء سلامت روان بیماران سرطانی در شرایط سخت بیماری کمک کند و در پذیرش بیماری توسط بیمار و بهبود اختلالات روان‌شناختی مؤثر است (جمیله کیانی؛ فائزه جهان‌پور؛ فرهاد عباسی؛ شهرزاد درویشی؛ بهزاد قلی‌زاده، نشریه علمی پرستاری گروه‌های آسیب‌پذیر، شماره پنجم، زمستان ۱۳۹۴)

ج) معنویت و درمان سرطان گوارش متاستاتیک

سلامت معنوی در سازگاری و آرامش انسان‌ها، علی‌الخصوص در بیماری‌های مزمن دارای اهمیت زیادی است. سرطان در انسان موجب بحران جسمی، روانی می‌شود. لذا این مطالعه با هدف بررسی سلامت معنوی بیماران مبتلا به سرطان گوارش متاستاتیک و عوامل مرتبط انجام گرفته است. این مطالعه از نوع توصیفی - مقطعی است که ۲۵۰ بیمار مبتلا به سرطان گوارشی متاستاتیک در مرکز آموزشی درمانی امام خمینی (ع) و کلینیک طبوبی شهر ساری در سال ۱۳۹۲ انجام گرفت. روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی بود. در این مطالعه از پرسش‌نامه جمعیت‌شناختی و سلامت



معنوی Paloutzian و Ellison استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی، آزمون مجذور کای، تی تست و آنوا صورت گرفت و همچنین نرم افزار SPSS 15 نیز استفاده شد.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد، بیشتر بیماران مبتلا به سرطان گوارشی متاستاتیک از سلامت معنوی متوسطی برخوردار بودند و سطح سلامت مذهبی کمی بیشتر از سلامت وجودی بود، با توجه به فرهنگ جامعه ما، این امر طبیعی به نظر می‌رسد (قاسم جان‌بابایی؛ روانبخش اسمعیلی؛ نورالدین موسوی نسب؛ منصور رنجبر؛ جبار حیدری فرد، ۱۳۹۲، نشریه دین و سلامت، شماره ۲).

راهکارهایی برای افزایش معنویت

با توجه به این‌که معنویت تأثیرات فراوانی در آرامش انسان دارد و انسان‌ها را از استرس‌ها و مشکلات روحی، روانی به ساحل آرامش می‌رساند. از طرفی بیماری‌های همه‌گیر از جمله کرونا ویروس باعث ایجاد جو روانی در میان بشریت شده است. لذا برای حفظ و افزایش معنویت در جامعه، نیازمند رعایت نکاتی هستیم که ما را در رساندن به ساحل آرامش از مسیر معنویت کمک و یاری می‌کند؛ از جمله این موارد:

الف) نماز و بندگی خداوند

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾؛ (بقره: ۱۵۳)، «ای افرادی که ایمان آورده‌اید! از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید! (زیرا) خداوند با صابران است» در مسائل مختلف فردی و اجتماعی می‌توان از نماز و روزه کمک گرفت؛ چراکه روح با این موارد می‌تواند در مقابل مشکلات مقاومت کند، به شرطی که نماز ﴿تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ باشد.

نماز در افزایش معنویت و از بین بردن عوامل سایش معنویت مهمترین اصل است. نماز سکینه قلبی مؤمنان نقش عظیم تربیتی در انسان دارد. نماز درس معرفتی است برای رفتار فردی و اجتماعی و نقش کلیدی در اداره فرد و جامعه دارد. نماز برترین اعمال است. حال با توجه به مقتضیات زمان و زندگی ماشینی، بشر سخت در فشار بوده و در این چنین زندگی رحم و مروت و گذشت و ایثار و بسیاری از ارزش‌های

اخلاقی دیگر کم اثر و بی‌رنگ می‌شود و هم‌زیستی مهرآمیز خانوادگی در چنین وضعی پایمال و منهدم می‌گردد. در نتیجه نیاز به رابطه‌ی معنوی با خداوند رحیم و کریم برای مردم دنیا از همیشه حادث‌تر و جدی‌تر است و نماز برترین و کارآمدترین وسیله برای تأمین این نیاز است.

ب) ایمان و عمل

در تعداد زیادی از آیات قرآن همراهی ایمان و عمل پیامدهای بسیار زیادی به دنبال دارد تقویت ایمان فرد در گرو عمل به دستورات خداوند و پیامبر و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) است هرچه انسان ایمان قوی‌تری داشته باشد به همان میزان توانایی مقابله با تکانه‌های فردی و اجتماعی را بیشتر دارا است. راه حفظ و افزایش معنویت ایمان و عمل که عبارتند از: ورع و توجه به خدا، اخلاص و عمل برای اهداف پیامبران که امروز در دنیا غریب مانده است؛ ایمان و تعبد؛ یعنی اعتقاد به غیب و تأثیر فعل و انفعالات غیبی که در اختیار بشر نیست و راه رسیدن به آن و کلید رمزش عمل به تکلیف شرعی است.

ج) دعا

دعا پر است از نعمه‌های معنوی، دعا سلاح انسان مؤمن است و درس علم‌النفس به وی می‌دهد. انسان وقتی با خدا راز و نیاز می‌کند، علاج مشکلات درونی و نفسانی را از خدا می‌خواهد.

د) خودشناسی

حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده است، در کجا قرار دارد، به کجا می‌رود (شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۵۷۱) شناخت انسان وقتی نسبت به خودش زیاد شود و بداند برای بازی و سرگرمی به این دنیا نیامده است، نه تنها معنویت خود را افزایش می‌دهد، بلکه هر آنچه از ناملایمات را می‌بیند، آن را گامی در راه تقرب الهی برمی‌دارد و برای خویش هدیه‌ای می‌داند که خداوند حکیم برای او و رشد معنویاتش ایجاد کرده است.

هـ) محبت اهل بیت علیه و توسل به ایشان

توسل به اهل بیت پیامبر علیه و ایشان را همه کاره عالم دانستن (خلفاء خدا روی زمین) آن چنان انسان را در برابر مشکلات قوی می کند که همه مشکلات را از جمله این ویروس را می توانند پشت سر بگذارند. از طرفی پیروی از دستورات پیامبر علیه و اهل بیت او علیه محبت خداوند را به دنبال دارد. لذا انسان محبوب خدا می تواند با محبت الهی به بسیاری از مشکلات غلبه کند ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (آل عمران: ۳۱)، «بگو اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد؛ و گناهان تان را ببخشد؛ و خدا آمرزنده مهربان است». محبت خداوند استحکام درونی را در درون انسان تقویت می کند و باعث می شود هم مقاوم بشود و هم راه مقاومت را بداند.

﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾ (ابراهیم: ۲۷)، «خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به خاطر گفتار و اعتقاد ثابت شان، استوار می دارد؛ هم در این جهان و هم در سرای دیگر! و ستمگران را گمراه می سازد، (و لطف خود را از آن ها برمی گیرد)؛ خداوند هر کار را بخواهد (و مصلحت بداند) انجام می دهد». ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء: ۵۹)، باید با اطاعت خدا و پیروی از کلام و طریق اهل بیت علیه سعادت مندی را طلب کنیم، نه دنیایی شدن و مرگ بی حاصل را، که در غیر این صورت خسران عظیم اخروی گریبان گیرمان خواهد شد. حضرت علی علیه می فرماید: بزرگ ترین افسوس ها افسوس روز قیامت است. پس باید کاری کنیم که جزو دلوپاسان روز قیامت نباشیم.

و) ارتباط با قرآن کریم

قرآن نور است ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا﴾؛ (نسا: ۱۷۴) دل و جان انسان را روشن می کند، مسیر را روشن می کند، سکینه و آرامش می آورد ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (فتح: ۴) قرآن درمان دردهای مادی است؛ شفا و رحمت است، قرآن



فرقان بین حق از باطل است. خداوند به وسیله قرآن هدایت می‌کند؛ تمام این ویژگی‌های قرآن سبب گسترش معنویت در وجود انسان می‌شود، به شرط ارتباط ظاهری و معنایی و عمل به دستورات آن. عمل به دستورات قرآن انسان را با خالق عالم که قدرت بی‌نهایت است متصل می‌کند و تکیه بر قدرت بی‌نهایت به انسان نیرویی می‌دهد که بتواند بر تمام مشکلات از جمله ویروس کرونا غلبه کند.

نتیجه

قوت ایمان و توجه به معنویت دو عاملی است که می‌تواند استرس و اضطراب‌هایی ناشی از برای نگرانی حاصل از بیماری‌های واگیردار مثل ویروس کرونا هستند را کاهش دهد. در این مقاله با حل شبهه شرور از جمله ویروس کرونا به زدودن شبهات و قوت ایمان کمک شد و با تبیین و بیان تأثیرگذاری معنویت بر بهبود بیماری‌های این‌چنین از یافته‌های علوم تجربی، نشان داده شد هرچه بیشتر بتوان به معنویت و سرچشمه آن نزدیک‌تر شد، غلبه بر این بیماری راحت‌تر خواهد بود.

پی‌نوشت

- [۱]. ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾؛ (بقره: ۳۰).
- [۲]. برای توضیح کامل این بحث ر.ک: غلامعلی سنجری، مسئله منطقی شر از دیدگاه علامه طباطبائی و آل‌وین پلنتینگاه، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. پترسون، مایکل و دیگران، *عقل و اعتقاد دینی*، ترجمه احمد نراقی؛ ابراهیم سلطانی، تهران: طرح نو، ۱۳۸۷.
۲. تبریزی، غلامرضا، *نگرشی بر روان‌شناسی یونگ*، مشهد: جاودان خرد، ۱۳۷۳.
۳. خرازی، سیدمحسن، *بداية المعارف فی شرح عقائد الإمامیه*، چاپ چهارم، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه، [بی‌تا].
۴. خلیل، الجر، *معجم موسوعی للجمع لاروس*، پاریس: مکتبه لاروس، ۱۹۷۳م.
۵. الخوری، سعید، *أقرب الموارد*، تهران: دارالأسوة للطباعة و النشر، ۱۳۷۴.
۶. دهخدا، علی‌اکبر، *فرهنگ متوسط دهخدا*، به کوشش غلامرضا ستوده، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۷. سعیدی‌مهر، محمد، دادورزی، *تقریری نواز مسئله شر*، مجله نقد و نظر، شماره ۱۰، ۱۳۷۶.
۸. سنجری، غلامعلی، *مسئله منطقی شراز دیدگاه علامه طباطبائی و آل‌الوین پلنتینگاه*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰.
۹. شیرازی، صدرالدین، *ترجمه اسفار اربعه*، تصحیح محمد خواجه‌ای، تهران: مولی، ۱۳۸۳.
۱۰. _____، *شرح اصول کافی*، تصحیح محمد خواجه‌ای، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۰.
۱۱. طباطبائی، محمدحسین، *نهایة الحکمة*، چاپ دوازدهم، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۶ق.
۱۲. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: عترت، ۱۳۸۹.
۱۳. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، تهران: دبیر، ۱۳۸۵.
۱۴. نجاتی، محمدعثمان، *قرآن و روان‌شناسی*، ترجمه عباس عرب، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱.



۱۵. نیشابوری، محمدبن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دارالتاصل، ۱۴۳۵ق.

نشریات و سایت‌ها

۱. جان بابایی، قاسم؛ اسمعیلی، روانبخش؛ موسوی نسب، نورالدین؛ رنجبر، منصور؛ حیدری فرد، جبار؛ *بررسی نقش سلامت معنوی و عوامل مرتبط در بیماران مبتلا به سرطان گوارش متاستاتیک*، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، نشریه دین و سلامت، سال یکم شماره ۲، اسفند ۱۳۹۲.
۲. حجتی، حمید، *ارتباط تداوم دعا با سلامت معنوی در بیماران تحت همودیالیز*، مجله اصول بهداشت روانی، باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علی آباد کتول، دوره ۱۲، شماره ۴۶، خرداد و تیر، ۱۳۸۹.
۳. حجتی، حمید، *ارتباط تداوم دعا با سلامت معنوی در بیماران تحت همودیالیز*، مجله اصول بهداشت روانی، باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علی آباد کتول، دوره ۱۲، شماره ۴۶، خرداد و تیر، ۱۳۸۹.
۴. دانشنامه آزاد، *چیستی معنویت اسلامی*، <http://wikifeqh.ir>.
۵. سعیدی مهر، محمد؛ دادورزی، *تقریری نواز مسئله شر*، مجله نقد و نظر، سال سوم، شماره ۱۰-۱۱، بهار و تابستان، ۱۳۷۶.
۶. عبدالحسین خسروپناه در مصاحبه‌ای که از ایشان در تاریخ ۹ اردیبهشت ۹۶ در سایت خبر آنلاین بخش فرهنگ و دین‌شناسی آمده است. <https://www.khabaronline.ir/news/659745>
۷. کیانی، جمیله؛ جهان‌پور، فائزه؛ عباسی، فرهاد؛ درویشی، شهرزاد؛ قلی‌زاده، بهزاد، *بررسی اثربخشی معنویت درمانی بر سلامت روان بیماران سرطانی مراجعه کننده به مرکز سرطان شهر بوشهر*، نشریه علمی پرستاری گروه‌های آسیب‌پذیر زیر نظر

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی بوشهر، سال دوم، شماره پنجم، زمستان
۱۳۹۴.

۸. مجله حصون، مقاله نقش معنویت در زندگی و رزم، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۷،
پایگاه اطلاع رسانی حوزه،

۹. <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/5415/6376/71209>.

